

بقلم : آقای خان ملك ساسانی

## اوسمی های قیطاق و نادرشاه

در تابستان ۱۳۴۳ که پاریس بودم در گنجینه اسناد خطی و کتابخانه های پاریس بیک پرونده ای برخوردیم که در رویش نوشته شده بود اوسمی های قیطاق (قیطاق یکی از طوایف لگری داغستان و اوسمی ها بزبان محلی بمعنی امرا و فرماندهان است). در پرونده مزبور فرامینی چند از پادشاهان صفوی و نادرشاه بود که بافتخار رستم خان و امیر حمزه خان و احمد خان و دیگر اوسمی ها صادر شده بود خانواده نامبرده نسب نامه خود را اینطور نوشته بودند :

رستم اوسمی اهل جبال سی و سه پشت به حمزه عموی پیغمبر اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله میرسد و از اولاد امیر چوپان غازی است جد اوسمی قیطاق با امیر تیمور گورکان بشیروان آمد و در خدمت سلطان بن السلطان کرشاسب خان بهادر ملك شیروان اقامت کرد .

در جزو مدارك نسب نامه فرمان ذیل را نیز درج کرده اند :

ابوالمظفرالحکم سلطان محمد بهادر سیورمیز

آنکه چون امارت پناه عمده الاقران شمسایک والامر حمت پناه افراشم بیبا حکم امیر کبیر گورکان و شجره اجداد خود ابراز نمود که از نسل باهر عم معظم حضرت موجودات امارت ملحه و محال آخستی و دو قوز پاره متعلق باجداد او بوده ما نیز شفقت شاهانه نموده بنا بقاعده قدیم آمدن محال مذکور را برقم علیحده بامارت مشار الیه ارزانی فرمودیم میباید که کلاترانی و جمهور سکنه محال مذکور حاکم

خود دانسته توجهات و سایر جهات خود را ذروجه گماشتگان ارسال واعزاز واحترام او بجای آرند. مهرسلطان محمد بهادر.

خوانندگان محترم بخاطر دارند که درسال ۸۶۰ هجری قمری در زمان سلطنت سلطان خلیل الله درشیروان وسلطنت جهانشاه بارانی درآذربایجانسلطان جنید صفوی که با خدیجه بیگم خواهر امیر کبیر حسن بیگ بایندر امیر دیاربکر ازدواج کرد بود بعزم غزای گرجستان با ده هزار نفر از صوفیان صافی از اردبیل حرکت کرد. درشیروان هنگام مبارزه سلطان خلیل کشته شد و درطبرسران مدفون گردید.

پسرش سلطان حیدر صفوی که خواهر زاده امیر کبیر حسن بیگ بایندر بود در اردبیل بجای پدر نشست.

جهانشاه بارانی که ازوی نگران بود ازآذربایجان تبعیدش نمود سلطان حیدر بدیار بکر رفته با حلیمه خاتون مشهور بعالم شاه بیگم دختر امیر کبیر که نواده امپراطور بیزانس الکسی کومن بود ازدواج کرد که در آن ازدواج شاه اسمعیل صفوی بدنیا آمد.

درسال ۸۷۵ هجری قمری که حسن پادشاه بایندر برجهانشاه غالب آمد جهانشاه مقتول شد حسن پادشاه تبریز را دارالسلطنه قرار داد و سلطان حیدر باردبیل مراجعت نمود.

بعد از فوت حسن پادشاه بایندر در ۸۹۳ در زمان سلطنت میرزا یعقوب بایندر سلطان حیدر بخونخواهی پدر باعدۀ از صوفیان وفادار بشیروان رفت.

فرخ یسار ملک شیروان از دامادش میرزا یعقوب برای مقابله با سلطان حیدر کمک خواست اوهم سلیمان بیچی اوغلی را با چهار هزار سوار از تبریز بکمک فرخ یسار فرستاد.

در جنگ شماخی سلطان حیدر نیز کشته شد و در طبرسران در کنار تربت پدرش مدفون گردید .

شاه اسماعیل پسر سلطان حیدر و عالم شاه بیگم را خالویش میرزا یعقوب در قلعه استخر فارس زندانی نمود. در سال ۹۰۷ که شاه اسماعیل از قید و بند رهائی یافت با هفت هزار نفر از صوفیان صافی بخونخواهی پدرانیش عازم شیروان گردید. در جنگ طبرسران فرخ یسار کشته شد و شیروان و داغستان جزو ممالک ایران گردید .

در زمان سلطنت طهماسب اول حکومت شیروان بالقاس میرزا بود که از آنجا نسبت به پدر علم طغیان برافراشت .

آشوب و انقلابی که پس از فوت شاه طهماسب اول در ایران ظهور کرد موجب شد که عثمانیان دست تجاوز به ممالک ایران دراز نمودند. شاه عباس بزرگ عثمانیان را از آن حدود اخراج کرد و حکومت داغستان و شیروان را با و سومی های قیطاق واگذار نمود و فرمان ذیل را بافتخار امیر حمزه خان اوسمی صادر کرده است .

### بنده شاه ولایت عباس

الملك لله

فرمان همایون شد ایالت و حکومت پناه عمده الحکام الکرام کمالا ایالت امیر حمزه خان اسمی حاکم در بند بنایات بلاغایات شاهانه و نوازشات بالانهایات پادشاهانه مقتدر و سرافراز و ممتاز گشته بدانند که چون آن ایالت پناه بجهة اخلاص و یکجبهتی که بر این دودمان ولایت نشان دارد دشمن بسیار بهم رسانیده قاعده آنست که قافله که از هر طرف خواه از مردم داغستان و خواه از اینجانب بدر بند آیند بدرون شهر نگذاشته دروازه ها را بغازیان عظام و مردم خود سپارد که هر دروازه چند نفر از غازیان قزلباش و چند نفر مردم آن ایالت پناه بوده محافظت نمایند که مهمات قلعه شماخی قرار یابد و بدست در آید و احتیاط واجب و لازم است که آن ایالت پناه نیز مردم اعتباری

و اعتمادی خود را در آنجا گذاشته خود عازم رکاب معلی شود که در باب مهمات آن حدود و داغستان بهر چه صلاح داند بقاعده بعمل آوریم که اعتماد نواب همایون در آن حد بر قول آن عالیجاه است و جهات شیروان خصوصاً سرحد دربند و مسکو وقبه و قلهان و آن حوالی داغستان را بصلاح او قرار دهیم .

آن ایالت پناه یکرنگی خود را بعمل آورده تقصیر ننمود روی سفید انشاالله تعالی بنوعی او را تربیت فرمائیم که مزیدی بر آن متصور نباشد و در جهات خود مردانه بوده تا بهنگام شرف بساط بوس روز بروز وقایع حالات عرضه داشت نماید بهمه جهت به شفقت بیدریغ شاهی واثق و امیدوار باشد تحزیراً فی شهر محرم ۱۰۱۶ .

نادرشاه در لشکر کشی بداغستان پیش از تاجگذاری صحرای مغان فاطمه خانم دختر احمد خان اوسمی قیطاق را بزنی اختیار کرده همه جا با او بوده پس از تاجگذاری صحرای مغان در تمام جنگ هائی که کرده شرح لشکر کشی ها را برای احمد خان اوسمی نوشته است از جمله فرامینی که بافتخار احمد خان اوسمی صادر شده یکی این است که حدود ایران را به کشمیر و تبت و چترال رسانیده است .  
(چترال و نواحی آن امروز در دست روسیه شوروی و پاکستان و افغانستان است) .

### حسن تخلص

می بینی آن دو زلف که بادش همی برد  
گوئی که عاشقی است که هیچش قرار نیست  
یا نه که دست حاجب سالار لشکر است  
کز دور می نماید : ک امروز بار نیست  
امیر معزی نیشابوری